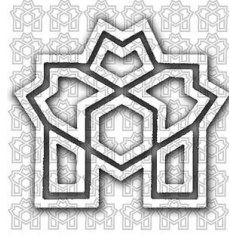


بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

عنوان پایان نامه :

رقابت ایران و ترکیه در قفقاز

نگارش :

فریبرز فلاحی

استاد راهنما :

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور :

دکتر حسن میر فخرایی

کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

زمستان 1389

«موطن آدمی را هیچ نشان جغرافیایی نیست ؛ وطن آدمی ، تنها در دل کسانی است که
دوستشان می داری »

«همت بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم»

تقدیم به پدر و مادرم

تنها واژه های بی ریا و پاک

فصل اول: کلیات

1.....	بیان مسئله
3.....	سؤالات و فرضیات تحقیق
4.....	تعریف مفاهیم
4.....	اهداف و اهمیت تحقیق
5.....	روش پژوهش
5.....	مشکلات و تنگناهای پژوهش
5.....	بررسی متون موجود
5.....	سازماندهی تحقیق

فصل دوم

8.....	چهار چوب نظری پژوهش (نو واقع گرایی)
--------	-------------------------------------

فصل سوم:

22.....	رقابت ایران و ترکیه در قفقاز
31.....	اهداف سیاسی ترکیه در قفقاز
45.....	خط لوله نابوکو
46.....	تقابل نقش های منطقه ای
48.....	رقابت اقتصادی

50.....	تعاملات امنیتی ایران و ترکیه در قفقاز
55.....	نقش همکاری های ترکیه و اسرائیل در قفقاز در قبال ایران
57.....	اهداف و انگیزه های ترکیه
58.....	اهداف و انگیزه های اسرائیل

فصل چهارم: آذربایجان

65.....	روابط ایران با آذربایجان
68.....	موضع ایران در قبال قره باغ
72.....	منافع ایران در آذربایجان
75.....	روابط دو جانبه ایران و آذربایجان: اقدامات و دستاوردها
82.....	روابط آذربایجان و ترکیه

فصل پنجم: ارمنستان

92.....	روابط ایران و ارمنستان
100.....	روابط سیاسی ایران و ارمنستان
100.....	بحران قره باغ
101.....	دلایل اهمیت ارمنستان برای جمهوری اسلامی ایران
111.....	روابط سیاسی و اقتصادی ارمنستان و ترکیه

فصل ششم: گرجستان

120.....	روابط و ایران و گرجستان
120.....	اوستیای جنوبی و بحران آن

122.....	دلایل اهمیت گرجستان برای ایران و منافع ایران در آن کشور
124.....	روابط دو جانبه ایران و گرجستان اقدامات و دستاوردها
133.....	روابط سیاسی و اقتصادی گرجستان و ترکیه
135.....	مسئله آبخازستان
140.....	نتیجه گیری
142.....	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

بیان مسئله :

فروپاشی شوروی یکی از ژرفترین تحولات ژئوپلیتیکی بود که در واپسین دهه قرن بیستم حادث شد. این تحول نه تنها موجبات سقوط نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد را فراهم ساخت، بلکه باعث شد تا از ویرانه‌ها امپراتوری پیشین شمار قابل توجهی دولت‌های نو بنیاد سربرآورند که برخی از آنها در تاریخ گذشته خویش هرگز طعم استقلال را در مقام یک دولت‌های به مفهوم جدید آن نچشیده بودند. تأسیس دولت‌های تازه استقلال یافته در حوزه‌های پیرامونی اتحاد شوروی سابق هم محیط منطقه و بین‌المللی که در آن ظهور یافتند را متحول نمود و هم دستور کارهای جدیدی را فرا روی جامعه بین‌المللی نهاد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قدرتهای بزرگ و مهم منطقه و جهان برای پر کردن این خلأ قدرت به تکاپو افتاده و درصد اعمال نفوذ در کشورهای مزبور برآمدند.

امروزه دیگر نمی‌توان مباحث استراتژیک را صرفاً در قالب رقابت دو ابر قدرت خلاصه نمود و بحرانهای منطقه‌ای و جهانی را معمول رقابت دو ابر قدرت دانست و همچنین دیگر نمی‌توان مارکسیسم را به عنوان ایدئولوژی جاری و سوسیالیسم را گزینه‌ای قابل ملاحظه برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای انقلابی دانست. بدین دلیل که آثار و تحولات ناشی از فروپاشی اردوگاه شرق آنچنان وسیع و گسترده است که از حد تغییرات سیاسی حکومتها و دولتها گذشته و به مبنای فکری و نظری رسیده است.

بر همین اساس نظر به مجاورت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران با حوزه جنوبی شوروی سابق می‌توان ادعان نمود که ظهور قفقاز به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک متمایز و مهم در عرصه سیاست جهانی تأثیرات ژرف و تعیین کننده‌ای برای محیط سیاسی و مناسبات منطقه‌ای و جهانی ایران به ارمغان آورده است.

فروپاشی شوروی و تکوین حوزه ژئوپلیتیک منطقه قفقاز علاوه بر ایجاد فرصتهای فراوان در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران با چالش‌های عمده‌ای نیز همراه بوده است. تلاش

گسترده قدرتهای مختلف و بین المللی برای کسب نفوذ در قفقاز یکی از پیامدهای منفی است که از نقطه نظر منافع ملی و ملاحظات امنیتی ایران تحولی مطلوب و خوشایند تلقی نمی شود. چرا که این امر در وحله نخست مقدار معتناهی از منابع و امکانات کشور را در رقابت ها مصروف می سازد. و در مرتبه بعدی به واسطه مداخله قدرتهای خارجی در مناقشات داخلی و بین دولتی در منطقه و جانبداری آنها از گروههای رقیب و متخاصم شرایط مساعدی جهت شروع، تداوم و تشدید بی ثباتی ها مهیا می کند. علاوه بر آن مطابق اصل کمیابی می توان استدلال نمود که هر اندازه نفوذ سیاسی و فعالیت اقتصادی سایر قدرتها در منطقه توسعه یابد. دامنه فرصتهای ایران برای بهره برداری از موقعیت ها و امکانات موجود کاهش می یابد. در همین راستا تلاش های گسترده و پیگیر ترکیه به منظور بسط دامنه نفوذ همه جانبه خود در قفقاز که از همان روزهای واپسین حیات امپراتوری شوروی سابق آغاز شده و از حمایت غرب برخوردار گردیده همواره تردیدها و نگرانی های ایران را نسبت به اهداف و علایق آن کشور در منطقه برانگیخته است. بنابراین اعتقاد محققین مسایل قفقاز. ایران و ترکیه جز و جدی ترین رقاباتی هستند که متقابلاً فعالیتهای یکدیگر را در منطقه به طور مستمر زیر نظر دارند. برخی سعی نموده اند تا مناسبات رقابت آمیز ترکیه و ایران را در قفقاز به صورت یک بازی حاصل جمع جبری صفر ترسیم کنند.

این پژوهش با توجه به موقعیت و جایگاه دو کشور ایران و ترکیه و همچنین با اذعان به ظرفیت های بالقوه منطقه قفقاز، روابط این دو کشور را در این منطقه دارای ویژگیهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ارزنده، مورد بررسی قرار داده و عوامل تأثیر گذار بر این روابط را به بوته مطالعه کشانده است. بدون شک، ظرفیت های عمده و توانایی های بالقوه کشورهای قفقاز، مخصوصاً در زمینه انرژی و نفت و گاز کشورهای مهم منطقه، از جمله ایران و ترکیه را تحریک نموده و آنها را به سمت رقابتی تمام عیار کشانده است. حضور قدرتهای فرا منطقه ای همانند ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، چین و هندوستان کمک شایانی به پیچیده تر نمودن اوضاع منطقه کرده و روابط دو کشور ایران و ترکیه را نیز به وضعیتی ویژه سوق داده است.

از لحاظ محدوده زمانی ، این تحقیق در طول سالهای بعد از فروپاشی شوروی تا سال 2004 مورد بررسی قرار خواهد داد و سعی شده است عوامل و زمینه هایی که باعث این رقابت شده اند را مورد کاوش قرار می دهد، اما واقعیت آنست که روند رقابت ها از ابتدا تاکنون آهنگ یکسانی نداشته است . طی پایان نامه اینجانب تلاش خواهد شد ابعاد مختلف و روند رقابت های ایران و ترکیه مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد .

سؤالات و فرضیه های تحقیق :

این پژوهش رفتار دو نظام سکیولار ترکیه و اسلامی ایران را مورد ملاحظه خود قرار داده و نحوه تعامل و ارتباط دو کشور را در عرصه های مختلف سیاسی اقتصادی و...بررسی کرده است این بررسی ما را به رفتارهای رقابتی و تلاش دو کشور برای نفوذ هر چه بیشتر و بزرگ نشان دادن نقش خود در منطقه متوجه نموده است. دو کشور در عرصه سیاست خارجی یا عرصه های دیگر بعضا رقابت را تا آنجا گسترش می دهند که به برخوردهای حذفی منتج می گردد .

سؤال اصلی :

چه عواملی باعث ایجاد رقابت بین دو کشور ایران و ترکیه برای نفوذ هر چه بیشتر در منطقه شده است ؟

فرضیه اصلی :

تلاش دو کشور ترکیه و ایران برای گسترش نفوذ و بسط مناسبات سیاسی اقتصادی خود باعث رقابت دو کشور در منطقه قفقاز شده است .

متغییر وابسته : رقابت ایران و ترکیه در منطقه قفقاز

متغییر مستقل: چگونگی و کیفیت روابط دو کشور

تعریف مفاهیم :

رقابت :

تلاش برای کسب منافعی که معمولاً با درگیری و مناقشه همراه باشد و پیگیری اهداف توسط هر یک از طرفین به منزله عدم توجه به خواسته‌های طرف مقابل محسوب می‌شود و امکان همکاری و اتحاد امکانپذیر نیست ، و هر یک از طرفین در صدد کسب منفعت منطقه‌ای نفوذ برای خود می‌باشند .

قفقاز:

کشورهای جدا شده از شوروی سابق در قسمت جنوب غربی روسیه و شمال غرب ایران که شامل سه کشور آذربایجان، ارمنستان ، گرجستان می‌باشد که در روابط بین الملل آنها را قفقاز جنوبی می‌نامند.

اهمیت و اهداف تحقیق :

این تحقیق با توجه به فضایی که در روابط بین الملل بعد از خاتمه جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق به وجود آمد، به بررسی کشورهای جدا شده از نظام کمونیستی و اینکه میزان وابستگی این کشورها (در این تحقیق سه کشور قفقاز یعنی آذربایجان ، ارمنستان و گرجستان) به دیگر کشورها و قدرتهای منطقه‌ای چون ایران و ترکیه و رابطه بالعکس یعنی نفوذ قدرتهای منطقه‌ای به این سه کشور سعی شده مورد بررسی قرار داده شود . طبیعی است که تلاش هر یک از دو کشور ایران و ترکیه برای گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز باعث ایجاد نوعی رقابت ضمنی بین طرفین می‌گردد، اینجانب ضمن بررسی زمینه‌های این رقابت تلاش نموده‌ام تا به نوعی اهمیت این منطقه که روزگاری جزء سرزمین ایران بوده است را بیشتر نشان دهم، تا اینکه با گسترش روابط با این کشورها ، هم‌بازاری برای فروش تولیدات و سرمایه‌گذاری و هم قدرت نفوذ بیشتری در سطح بین الملل بدست آورده و شاهد اعتلای آن باشیم . امیدوارم گامی هر چند ناچیز باشد برای برداشتن گامهای بعدی .

ارائه این تحقیق جهت کسب مدرک کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) می باشد .

روش پژوهش :

این پژوهش براساس روش تحلیلی - تاریخی و جمع آوری مطالب آن از طریق کتابخانه ای و اینترنتی می باشد

مشکلات و تنگنا های پژوهش:

برای بررسی این پژوهش به مشکلاتی از قبیل کمبود منابع دسته اول می توان اشاره کرد .

پیشینه موضوع و بررسی متون موجود :

مهمترین منبع برای بررسی موضوع این پایان نامه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز که توسط کارشناسان و متخصصان این منطقه در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران منتشر می شود ، و مقالات صاحب نظران آسیای مرکزی و قفقاز آثار خود را در این نشریه منتشر می نمایند؛ به عنوان مهمترین منبع این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است ، مجله ایراس نیز که به بررسی موضوعات گوناگون در زمینه کشور های جدا شده از شوروی سابق می پردازد و مقالات مکتوب در این زمینه را به چاپ می رساند نیز از منابع مورد بررسی در این پژوهش میباشد .

سازماندهی تحقیق :

این پایان نامه در شش فصل گرد آوری شده است که فصل اول به مباحث و کلیات پرداخته شده است و در فصل دوم به بررسی مکتب نو واقع گرایی می پردازد و معتقد است که دولت ها علاوه بر نفوذ خود بر اساس صرف قدرت برای تسلط بر دیگران به ابزار اقتصادی نیز روی می آورند و رئالیسم را از قدرت سخت افزاری به

قدرت نرم افزاری هدایت می نماید در این پایان نامه که بر اساس نظریه نورثالیسم بنیان نهاده شده است بیشترین تاکید را به ابزار اقتصادی می نماید و به آن توجه دارد .

در فصل سوم به رقابت ایران و ترکیه در منطقه قفقاز پرداخته شده که به طور کلی این مبحث را شرح داده است .

در فصل چهارم و پنجم و ششم به رابطه دو کشور ایران و ترکیه با کشورهای قفقاز به ترتیب آذربایجان در فصل چهارم ، ارمنستان در فصل پنجم و گرجستان در فصل ششم می پردازد و در این فصول آخر جزئیات این رقابت را بررسی می کند .

فصل دوم

چارچوب نظری پژوهش

چهار چوب نظری پژوهش:

تحلیل رفتارها و روابط متقابل دولتها عنوان واحد های تشکیل دهنده نظام بین الملل، دغدغه اصلی نظریه ها و رویکردهای بین الملل بوده است. در واقع نظریه های روابط بین الملل در پی یافتن چرایی رفتار دولت ها می باشد نظر می رسد بهره گیری از چهارچوب تحلیلی برای رهایی از کلی گویی و ابهام اجتناب ناپذیر می باشد. پژوهشگران روابط بین الملل در پژوهش های خود ممکن است برای یکی از پارامترها بعنوان متغیر اصلی، نقش محوری قائل شوند. بسته به این که کدامیک از پارامترها را محور اصلی قرار دهیم، نحوه تحلیل پدیده های سیاسی و نتیجه گیری حاصل از آن متفاوت خواهد بود. در نوشته حاضر سطح تحلیل کلان با تاکید بر ساختار نظام بین الملل و با رویکرد نئورئالیسم مورد استفاده قرار گرفته است.

نوواگرایی بر ساختار تاکید زیادی دارد و به همین دلیل است که از آن به واقع گرایی ساختاری یاد می کنند. از نگاه این رویکرد اصطلاح ساختار توزیع و پراکندگی قدرت اشاره دارد ساختار در نظام بین الملل ریشه در قدرت واحدهایی دارد که آن را تشکیل می دهند¹

از دیدگاه کنت والتز اصطلاح ساختار به معنای نحوه آرایش اجزا است. والتز ساختار را به اعتبار اصل سازمان دهنده آن، سلسله مراتبی یا آنارشیک (فاقد اقتدار مرکزی) تعریف می کند به این معنی که هر چه سیستم سلسله مراتبی تر باشد تنوع کارکردها بیشتر خواهد بود و هر چه فاقد مرجع مرکزی باشد، مشابهت کارکردی واحدها بیشتر خواهد بود. سرانجام اینکه ساختار بر اساس نحوه توزیع توانایی ها میان واحدها تعریف می شود به اعتقاد والتز مفهوم ساختار بر پایه این واقعیت استوار است که واحدهایی که به طرز متفاوتی کنار هم چیده و گرد هم آمده باشند، رفتار متفاوتی خواهند داشت و در مقابل یکدیگر نتایج متفاوتی به وجود خواهند آورد²

۱. Stefano, guzziini, realism in inter national relation, London, ۱۹۹۸, p. ۱۸۱

۲. جیمز دوئرتی و فالترز گراف، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷

طبق این دیدگاه سه ویژگی اول تقریباً در نظام بین الملل پایدار است و تنها توزیع قدرت میان واحدهاست که می تواند تغییر کند این طریق ساختار سیستم متحول می شود بدینسان با مبنا قرار دادن اصل آنارشی و در نظر گرفتن دولتها به عنوان کار گزار روابط بین الملل و کار کرد مشابه آن یعنی تامین امنیت، چگونگی توزیع قدرت و تغییر و تحول آن تعیین می گردد. لذا بر اساس متغیرهای فوق تغییر در توزیع توانایی ها در میان بازیگران ، مهمترین عامل رایج در تحولات سیستمی و آن هم تحول ساختاری به شمار می آید . برای تشخیص تحولات ساختاری یا شکل گیری ساختار تازه باید به سنجش عامل قدرت در قالب توزیع توانایی ها پرداخت .³

در نهایت می توان گفت که ساختار آنارشیک نظام بین الملل به بسیاری از کنشهای رفتاری بازیگران از بازیگران کوچک گرفته تا بازیگران بزرگ ، از منازعه تا همکاری را شکل میدهد.⁴

بی تردید رئالیسم مهمترین و پایدار ترین نظریه روابط بین الملل بوده است . رئالیسم از جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد پارادایم غالب در روابط بین الملل بوده و همه تحقیقات کم و بیش از این پارادایم متأثر شده اند جاذبه تقریباً بی بدیل این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین الملل و همچنین نزدیکی آنها با فهم متعارف از سیاست بین الملل است . خود واقعگرایان نیز معتقدند که اهمیت آن هم از این بعد است آنان از این نظر چشم انداز خود را واقعگرایانه می خوانند که با واقعیات بین المللی هم خوانی دارد . واقعگرایان وجود یک سنت دیرینه واقعگرایانه را بیانگر تداوم و پایداری واقعیات " سیاست میان ملتها " می دانند . پس از مرگ هانس مور گنتا در جولای 1980 ، مکتب جدیدی در سیاست بین الملل ظهور کرد که نئو رئالیسم نام گرفت .

³ . قاسمی فرهاد "تاثیر ساختار هژمونیک نظم بین الملل بر پدیده نظم در خلیج فارس " اطلاعات سیاسی - اقتصادی ش 188 ص 45

⁴ شهروز و غلام ابراهیمی "بازیگری در رئالیسم پس از جنگ سرد : متد لوزی ، اپیستمولوژی ، و انتولوژی " ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی ش 174 ص 151

در شرایطی که واقعگرایی کلاسیک متهم به سنت‌گرا و غیر علمی بود برخی از واقع‌گرایان تلاش کردند روایتی علمی از واقع‌گرایی عرضه کنند تا با معیارهای علمی مرسوم منطبق باشد. به علاوه واقعگرایی از نظر عدم توجه به مسائل اقتصادی نیز مورد انتقاد قرار داشت. در نتیجه مسائل اقتصادی بین‌المللی نیز یکی از حوزهای مورد توجه نو رنالیسم قرار گرفت. مهمترین اندیشمندان این مکتب کنت والتز است که با انتشار کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» اصلاحاتی در رنالیسم مورگنتا اعمال کرده است و در تحلیل نظم و ناامنی بین‌المللی کوشیده است.

نواقع‌گرایان عمدتاً بر مختصات ساختاری نظام بین‌الملل تاکید میکنند، در واقع سطح تحلیل رادرنظام بین‌الملل قرار می‌دهند و میگویند نظام نوع و قاعده‌بازی را مشخص می‌کند نو واقع‌گرایان مفهوم ساختار سیستمی را توسعه می‌دهند. به نظر آنها این ساختار است که روابط سیاسی واحدهای متشکله را شکل بخشیده و تحت فشار قرار می‌دهند. در واقع نو واقع‌گرایان توضیح می‌دهند که چگونه ساختارها بدون توجه به مختصاتی که به قدرت و موقعیت مربوط می‌شود، بر رفتار و نتایج تاثیر می‌گذارد بر این اساس سیاست خارجی تحت تاثیر عوامل سیستمیک قرار دارد. و مانند توپهای بیلیاردی، از همان قواعد هندسه تبعیت میکنند.

نو واقع‌گرایان معتقدند وقتی بین‌الملل به صورت یک نظام یا ساختار مجزا دقیقاً تعریف شود. وضعیت سرآغازی برای نظریه پردازان روابط بین‌الملل ونقطه عزیمت واقع‌گرایی سنتی می‌شود.

سؤال کلیدی رئالیسم ساختاری اینست که چرا کشورهای مختلف با ساختار داخلی و نظام سیاسی متفاوت و اختلافات ایدئوژیک، رفتارهای سیاست خارجی مشابهی را از خود بروز می دهند؟ در پاسخ ادعا می کنند که توضیح این امر می توان در ماهیت نظام بین الملل و محدودیت های یافت که برای کشورهای مختلف ایجاد می کند.

بنابراین نو واقع گرایان به وضعیت آنارشیک نظام بین الملل اشاره دارند تجمع و انباشت را به عنوان یک نیاز بر کشورها تحمیل می کنند.⁵

مفروضات نئو رئالیسم :

- دولتها در تعقیب منافع و دستاورد های نسبی اند و نه مطلق. یعنی میتوان حاصل جمع بازی را جای صفر، مثبت دانست؛

_ دولتها به عنوان بازیگران اصلی امنیت بین المللی، صرفا در پی منافع ملی هستند؛ _ نقش موسسات و نهادهای سیاسی - اقتصادی بین المللی در امنیت جهانی را نمی توان نادیده گرفت؛

- دولتها بازیگران عقلایی هستند و تعقیب حد اکثر سود، یگانه انگیزه آنها برای فعالیت در عرصه بین المللی است؛

- دولت ها در شرایط آنارشیک رقابت می کنند و عقلانیت آنها در همان شرایط شکل می گیرد؛

- رفتار دولتها فقط در قالب نظام بین الملل معنی دار است عبارت دیگر، تصور دولتها به عنوان بازیگران عقلانیت گرا، یکپارچه و هم افق، فقط در قالب نظامی فرا کشوری تحقق می یابد.⁶

⁵ سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، "تحول نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل" فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان 1382، ص 98

⁶ نصری قدیر "روش شناخت در مکتب نئو رئالیسم" فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، ش 2، تابستان 1386 ش مسلسل 36 صص 321-322

همانگونه که ملاحظه می شود ، مفروضات نئورئالیستی تفاوت‌هایی با مفروضات رئالیستی دارد. تفاوت اول این است که واقع گرایی کلاسیک یک نظریه از نوع تصویر دوم (بر مبنای خرده سیستم ملی) است از نظر رئالیسم در نظام بین الملل ، جنگ برای کسب قدرت بیشتر است و این به ذات بد سرشت و قدرت طلب انسان بر می گردد نئورئالیسم نظریه روابط بین الملل را بر اساس تصویر سوم ارائه می دهد . به نظر والتز برای تبیین سیاست بین الملل ، باید به ویژگی های بین الملل توجه کرد . نه به افراد واحدها . تفاوت دیگر به هدف و مقصدی که واحدها در روابط بین الملل دنبال می کنند بر می گردد . هر چند که هر دو قدرت را هدف می دانند ، اما تفاوتی بین آنها وجود دارد ، از نظر رئالیسم کلاسیک ، کشور ها در صدد پیشینه خواهی در قدرت هستند و تلاش برای افزایش قدرت خود هیچ گاه سیر نمی شوند . اما نئو رئالیسم معتقد است که کشور ها به دنبال این هستند که بهترین موقعیت را برای خود کسب کنند و یا موقعیت برتر را حفظ کنند . رئالیسم کلاسیک به دنبال قدرت مطلق است ولی نئو رئالیسم به قدرت نسبی اعتقاد دارد . تفاوت سوم در اینست که رئالیستها قدرت را بیشتر نظامی می کنند . اما نئو رئالیست ها به قدرت اقتصادی توجه می کنند و حتی نقش قدرت اقتصادی را در ساختار روابط بین الملل برجسته می دانند .⁷

نواقح گرایان که نظام بین الملل بی نظم و آنارشیک است منظور از بی نظمی از این دیدگاه نوعی اصل نظام بخش و تنظیم کننده است که توضیح می دهد نظام بین الملل از واحد های سیاسی مستقل تشکیل شده بود که فاقد اقتدار مرکزی حاکم بر آنها می باشند . این آنارشی بین المللی سه الگوی رفتاری برای کشورها در روابط بین الملل ایجاد می کند . اولاً کشورها نسبت به یکدیگر بی اعتماد بوده و سوژن دارند . آنها همواره از خطر بروز جنگ نگران هستند . اساس این ترس ، این واقعیت است که در جهانی که کشور ها قادرند به کشوری دیگر حمله کنند . آنها برای حفظ بقا ، خود حق دارند ، نسبت به دیگران بی اعتماد باشند . ثانیاً مهمترین هدف در نظام بین الملل تضمین بقا و ادامه حیات است .

⁷ .سید جلال دهقانی فیروز آبادی "نظریه های مختلف در روابط بین الملل "جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی(ره)

به علت اینکه سایر کشورها تهدیدات بالقوه ای هستند و هیچ اقتدار و برتری وجود ندارد که کشور های مورد تجاوز را نجات دهد کشورها نمی توانند برای تامین امنیت خود به دیگران متکی باشند به کلام دیگر، چون نظام بین الملل خودیار است یک از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تامین کنند و اتحادها و پیمانهای نظامی اموری موقت و متغییر هستند .

ثالثا، کشورها در نظام بین الملل تلاش می کنند قدرت نسبی خود را حد اکثر برسانند . دلیل این امر نیز ساده است . هر چند قدرت و مزیت نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد ضریب امنیتی آن بیشتر و بالاتر خواهد بود .

نو واقع گرایان اظهار می دارند بی نظمی و آناشیک ممکن است به دو صورت باعث جنگ شود یکی اینکه به کشورها اجازه میدهد تا جنگ را آغاز کنند . چون در وضعیت بی نظمی، اقتدار و مرجع قدرتمند نهایی وجود ندارد که جنگ را متوقف کند . راه دیگر ایجاد «معمای امنیت» برای کشورها است فقدان یک کارگزار مجری قانون و برقراری کننده نظم، کشورها باید مواظب خود و آن دسته از کشورها باشند که می توانند خود مختاری و استقلال آنها را تهدید کنند در چنین شرایطی معمای امنیت به خاطر بستر و بافت بی نظم نظام بین الملل ظهور می کنند . منظور از معمای امنیت، شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می شود . از سوی دیگر او نیز اقدامات تامینی و تدافعی خود را اتخاذ می کند، که به نوبه خود ضریب امنیتی کشور نخست را کاهش می دهد . در یک نظم خودیار، جستجوی بقاء و در نتیجه معمای امنیت کافی است تا حتی قدرتهای طرف دار حفظ وضع موجود نیز به مسابقه تسلیحاتی پرداخته، اتحاد تشکیل دهند در بعضی مواقع به جنگ کشیده شوند.⁸ ساختار آناشیک روابط بین الملل تعیین کننده و وضع کننده مجموعه شرایطی است که در آن دولتها به دنبال حفظ و توسعه منافع ملی خود می باشند در آن راستا حفظ منافع و امنیت ملی کشورها، جایگاه اصلی را به خود اختصاص می دهد .

⁸ . سید جلال دهقانی فیروز آبادی، "تحول نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل"، ص 100

از نظر نئو رئالیسم، الگوها و قواعد حاکم بر سطوح ملی و بین المللی را با شناخت و کشف ماهیت آنارشیکی نظام بین الملل توان توضیح داد لذا تغییر در شرایط و خصوصیات نظام بین الملل نه خواص و ویژگی های کشورها، تغییر رفتاری در سیاست خارجی کشورها و سیاست بین الملل را تبیین می کند. بویژه تغییرات ساختاری ناشی از تغییر در قابلیت ها و تواناییها ی واحدها که به صورت تغییر و تحول در آرایش کشورها و قطب بندی در نظام بین الملل نمود پیدا میکند. مهمترین عامل تعیین و تبیین کننده رفتاری می باشند.⁹

به نظر کنت والتز سیستم های بین المللی بر اثر دگرگون شدن توزیع تواناییها میان واحد هایشان دچار تغییر می شوند به همین دلیل، همانطور که ساختارها بر واحد هایشان تاثیر می گذارند، واحد ها هم بر ساختار تاثیر می گذارند و ریشه دگرگونی سیستم ها (از جمله تغییر آنها) نه در ساختار بلکه در اجزاء آنها است. عبارت دیگر کنت والتز بر این اعتقاد است که با تغییر ساختار صرفا تغییر در تعداد ابر قدرت ها (فرو پاشی شوروی) و چگونگی توزیع قدرت و تواناییها به وجود می آید واحد ها خود را در درون شرایط جدید خود یاری می یابند و مجبور می شوند که خود را با آن شرایط تطبیق دهند. یعنی با تغییر در ساختار نظام بین الملل، موازنه های قوای جدید ظهور میکنند و واحد هایی که خود با دگرگونی ساختار نظام بین الملل تطبیق ندهند، متضرر خواهند شد و در نهایت چاره ای جز تطبیق با شرایط جدید ندارد¹⁰

به عنوان مثال اروپا در نظام دو قطبی دارای یک نوع رفتار و جایگاه بود و بعد از فروپاشی نظام دو قطبی مسلما رفتار و جایگاهش متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر ساختار قدرت در سطح سیستم می تواند عملکرد متفاوتی را برای واحد ها ایجاد نماید و از واحدهای سیاسی بایستی براساس ساختار نظام بین الملل رفتار خود را منطبق سازند.¹¹

⁹. سید جلال دهقانی فیرز آبادی، موانع ساختاری برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، "دانشنامه حقوق و سیاست"، سال اول، ش 2، ص 40

¹⁰. امیر محمد حاجی یوسفی، خلاصه کتاب خاور میانه در نظام بین الملل تک قطبی، فصلنامه خاور میانه، مرکز پژوهش های و استراتژیک خاور میانه، سال 8، شماره 3، پاییز 1380

¹¹ Kenneth Waltz, The Anarchic Structure of World Politics, p. 57